پسر خاله مقتول برای آدمکشی اجیر شد

جزئیات دسیسه زنانه برای قتل شوهر

زن جوان با همدستی پسر خاله شوهرش دست به جنایت شومی زد. شوهر این زن کشته شد و پرونده اش دیروز تحت رسیدگی قرار گرفت.

جسدی در کانال

اوایل تابستان سال ۹۷ به دنبال پیدا شدن جنازه یک مرد ناشناس در کانال پاکدشت یک معمای جنایی را پیش روی پلیس قرار داد. تجسس های میدانی نشان داد این مرد در محل دیگری کشته شده و سپس جسد وی به داخل کانال آب منتقل شده است. جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و پلیس برای افشای هویت قربانی به تکاپو افتاد.

مقتول کیست؟

بررسی های پلیسی نشان داد جسد متعلق به یک مرد ۴۵ ساله به نام بهمن است. با افشای هویت قربانی پلیس به تحقیق از خانواده وی پرداخت. همسر بهمن به نام لیلا در نخستین مرحله بازجویی به پلیس گفت: شوهرم معتاد بود. آن روز او از خانه بیرون رفت و دیگر باز نگشت. من نمی دانم چطور کشته شده است. در حالی که لیلا ادعا می کرد از نحوه کشته شدن همسرش بی اطلاع است پلیس در اقدامات اطلاعاتی به اختلاف های دنباله دار لیلا و همسرش پی برد.

دسیسه زنانه

بدین ترتیب؛ نوک پیکان اتهام به سوی لیلا چرخید و وی بازداشت شد و همین کافی بود تا زن جوان در بازجویی ها به قتل بهمن با همدستی پسر خاله شوهرش به نام مجتبی اعتراف کند. با اظهارات این زن مجتبی نیز بازداشت شد و قتل را گردن گرفت.

در دادگاه

با توجه به اعترافات تکان دهنده مجتبی و لیلا آن ها گناهکار شناخته شدند که مجتبی به اتهام قتل و لیلا به اتهام معاونت در شوهرکشی دیروز در شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستادند. در ابتدای این جلسه اولیای دم برای متهمان حکم قصاص خواستند. سپس لیلا در جایگاه ویژه ایستاد و در تشریح جزئیات ماجرا گفت: شوهرم معتاد و بدخلق بود. او مدام مرا اذیت می کرد و کتک می زد. چند بار او را به کمپ ترک اعتیاد برده بودیم اما هر بار که باز می گشت بار دیگر سراغ مواد می رفت و اعتیادش را شروع می کرد. همه خانواده اش می دانستند با من رفتار بدی دارد. من از این وضعیت خسته شده بودم تا این که با پسر خاله اش که گاهی اوقات به خانه ما رفت و آمد داشت درددل کردم.

وی ادامه داد: من از او کمک خواستم و چون واقعا از بدرفتاری های شوهرم خسته شده بودم پیشنهاد قتل شوهرم را مطرح کردم. مجتبی پذیرفت. من و مجتبی قرص خواب خریدیم و به شوهرم خوراندیم اما چون بهمن سابقه اعتیاد داشت قرص ها به او اثر نکرد. شوهرم در خواب عمیق بود که با پسر خاله او تماس گرفتم. همان موقع مجتبی به خانه مان آمد و جوراب زنانه را دور گردن شوهرم پیچید و او را خفه کرد.

وی درباره انتقال جسد نیز گفت: من و مجتبی با هم جنازه را داخل صندوق عقب ماشین گذاشتیم و آن را به کانال آب پاکدشت انداختیم.

سپس مجتبی در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: می دانستم پسر خاله ام زنش را اذیت می کند. لیلا چند بار با من درددل کرده بود. به همین دلیل دلم برای او سوخت و به حرف هایش گوش دادم. من می خواستم زندگی اش را سر و سامان بدهم اما او پیشنهاد قتل شوهرش را مطرح کرد و من از سر دلسوزی شوهر او را کشتم.

بنابر این گزارش، در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا رای صادر کنند.

تحلیل کارشناس

زوج های بدرفتار

محمد پرتوی کارشناس خانواده در زمینه بدرفتاری یکی از زوج ها گفت: هر نوع بدرفتاری را نمی توان به پای روحیه افراد گذاشت چرا که عوامل بیرونی و مصنوعی باعث بدخلق شدن افراد و در نتیجه رفتارهای غیرقابل تحمل آن ها می شود.

وی گفت: همه نوع بدرفتاری ها قابل درمان است که البته نیاز به همکاری زوج ها و حتی خانواده های شان دارد بدرفتاری ذاتی باید با فشار اطرافیان فرد بدرفتار تحت نظر روان شناس حتی روان پزشک با روان درمانی یا نسخه دارویی تحت کنترل قرار گیرد و اما اگر بدرفتاری ناشی از اعتیاد یا شرارت باشد نیاز است خانواده ها با مشاوره یا مراحل ترک اعتیاد و در نهایت روان شناس آن را مهار کنند.

این کارشناس خانواده گفت: در این پرونده مشهود است مقتول اراده ای برای ترک اعتیاد و بدرفتاری ناشی از آن نداشته است و متصور است خانواده ها هم ناامید شده بودند در حالی که باید ممارست و صبوری داشته باشند و پسر خاله مقتول نیز به جای تن دادن به خواسته همسر مرد بدرفتار که از بدخلقی های شوهرش به تنگ آمده است و منطقی فکر نمی کند باید راه درستی را برای کنترل اوضاع انتخاب می کرد که می شود به مواردی که اشاره شد رجوع کرد.

ازمیان خبرها

۳ مرگ تلخ در پایتخت

نخستین روز این هفته با مرگ عجیب یک دختر جوان و دو مرد در سه سناریوی مختلف آغاز شد.

مرگ یک دختر

ساعت ۱۷:۴۶ ظهر شنبه ۱۲ مرداد دختر ۱۸ ساله ای برای تنظیم کردن آنتن تلویزیون خانه شان به بالای پشت بام ساختمان رفت که ناگهان کنترلش را از دست داد و به پایین سقوط کرد.

مرگ تلخ در بیمارستان

ساعت ۱۶:۴۰ عصر شنبه مسئولان بیمارستان در تماس با ماموران کلانتری ۱۵۶ افسریه از مرگ مرد ۵۴ ساله ای که در بیمارستان تحت عمل جراحی روده بود خبر دادند.

مرگ برای حیات بخشیدن

صبح روز شنبه ۱۲ مرداد مرد ۳۵ ساله ای در اتاق عمل بیمارستان، زیر تیغ پزشکان برای عمل پیوند کلیه بود که تسلیم مرگ شد، ماجرای این بیمار به کلانتری ۱۳۷ نصر تهران مخابره شد و پس از انتقال جسد به دستور بازپرس دادسرای امور جنایی به پزشکی قانونی، پرونده نیز برای بررسی های بیشتر به دادسرای جرایم پزشکی تهران ارجاع شد.

نقشه سرقت دزدان در سلول زندان

دو دزد قدیمی که هم سلولی بودند پس از آزادی نقشه های سرقت را در اطراف میدان ونک تهران اجرایی کردند.

چندی قبل ماموران کلانتری ۱۰۳ گاندی در جریان سرقت های سریالی لوازم داخل خودرو در اطراف پارک آب و آتش، ونک و پارک طالقانی قرار گرفتند و تیمی از ماموران تجسس کلانتری برای دستگیری عامل این دزدی ها وارد عمل شدند. ماموران در گام نخست تحقیقات و بررسی دوربین های مداربسته پی بردند که دزدان سوار بر خودروی پراید به سراغ خودروهای پژو و پراید پارک شده رفته و به شیوه کلاف زنی و باز کردن درها با یک پیچ گوشتی دست به سرقت لوازم داخل خودرو می زنند. تصاویر دوربین مداربسته کافی بود تا دو سارق جوان شناسایی شوند و در تجسس ها مشخص شد که دزدان از سارقان سابقه دار هستند که روز جمعه ۱۱ مرداد در دو عملیات همزمان این دزدان دستگیر شدند و در ادامه مالخر این باند نیز در مخفیگاهش دستگیر شد.

گفت و گو با دزد بیکار

سیاوش ۳۳ ساله که چهار سال برای دزدی در زندان بود ادعا می کند به دلیل بیکاری مجبور شده تا پس از آزادی دوباره دزدی کند.

سابقه داری؟

بله. چهار سال زندان بودم.

کی آزاد شدی؟

دو ماه قبل از زندان آزاد شدم.

از کی دوباره شروع به دزدی کردی؟

۲۰ روز قبل.

چرا؟

کار نیست.

دنبال کار رفتی؟

حتی برای باربری و کارگری هم کار نیست و دیگر مجبور شدم.

چهار سال قبل چرا رفتی دزدی؟

برای قدیم است و جوانی کردم.

زندان برای تو عبرت نشد؟

شد ولی وقتی شرمنده خانواده ات شوی هیچ راه دیگری جز دزدی نیست که انجام داد.

چطور در خودروها را باز می کردی؟

با یک پیچ گوشتی در خودروها را باز می کردم.

چه خودروهایی را هدف قرار می دادی؟

پژو و پراید که درهای شان راحت باز می شود.

چه ساعتی برای سرقت می رفتی؟

ساعت ۲۰ تا ۲۲ برای سرقت می رفتیم.

فکر می کردی دستگیر شوی؟

نه.

چه مناطقی را برای سرقت انتخاب می کردی؟

میدان ونک، پارک آب و آتش، پارک طالقانی.

آزاد شوی دوباره دزدی می کنی؟

اگر مجبور شوم شاید دوباره دزدی کنم.

یعنی زندان برای شما درس عبرت نمی شود؟

شاید شما هم مجبور شوید دست به سرقت بزنید، وگرنه زندان برای ما عبرت می شود.

سرقت از یک دزد

امیر که اعتیاد به مواد مخدر دارد و به خاطر سرقت نیز به زندان رفته ادعا می کند بعد از آزادی دیگر دزدی نکردم و مشغول به کار بودم که خودرویم سرقت شد و به ناچار مجبور به سرقت شدم.

سابقه داری؟

بله.

سیاوش را از کجا می شناسی؟

با هم در زندان آشنا شدیم.

کی آزاد شدی؟

یک سال و نیم قبل آزاد شدم.

چرا دوباره دزدی کردی؟

من بعد از آزادی با خودروی خودم مسافرکشی می کردم و مدتی بود که به کار نصب دوربین مداربسته مشغول بودم که ابزار کارم را از پشت ماشین سرقت کردند به همین دلیل وقتی سیاوش پیشنهاد داد پذیرفتم.

سرقت کار درستی است؟

نه، حالم بد است.

اعتیاد داری؟

بله، از ۱۷ سالگی اعتیاد به مواد مخدر دارم و الان مصرف هروئین و شیشه دارم.

آزاد شوی دوباره دزدی می کنی؟

نه، دیگر خسته شدم و می خواهم کنار مادرم در خانه باشم.

تحلیل کارشناس

ارتباط بیکاری و آمار سرقت

دکتر علیرضا شریفی یزدی جامعه شناس و آسیب شناس اجتماعی| بین جرایم مختلف و بروز آسیب های اجتماعی ارتباط مستقیمی وجود دارد و به نسبت آن معضلات اجتماعی و اقتصادی در جامعه روز به روز افزوده می شود. از این رو وقتی پای جرایم خرد و کلان به میان می آید باید منتظر انواع آسیب های اجتماعی بود و بیکاری نیز یکی از مقوله هایی است که با معضلات اقتصادی و فشارهای مالی در ارتباط است. هر اندازه در یک جامعه میزان بیکاری افزایش یابد میزان سرقت های خرد و کلان نیز بالاتر می رود و شاهد آمارهای تکان دهنده تری هستیم. برخی سرقت ها که به دلیل بیکاری و فشار مالی رخ می دهد دزدی یا سرقت های خرد نامیده می شود و این افراد برای نیاز هزینه های روزانه شان در شهر به سرقت لوازم خودرو، کیف قاپی، دزدی از منازل و... اقدام می کنند. اما مقوله سرقت های کلان و سازمان یافته که با هدف بزرگ تری رخ می دهد با سرقت های خرد که با بیکاری در ارتباط است مقوله ای جداگانه است که قابل بحث و بررسی است. سرقت های سازمان یافته که با نقشه و طراحی یک سری از افراد پدید می آید به مهارت نیاز دارد و ارتباط چندانی با بیکاری و فشار مالی ندارد. در سرقت های خرد یک مثلث شکل می گیرد که بیکاری، سرقت و اعتیاد سه راس اصلی وقوع این جرم ها هستند. افرادی که اعتیاد دارند میزان سرقت های خرد را افزایش می دهند و وقوع سرقت های خرد ترس و ناامنی بیشتری در دل جامعه ایجاد می کند و شدت احساس ناامنی از سرقت های کوچک و زورگیری ها در بین مردم جامعه بیشتر است.

جوان تهرانی پس از خروج از کما ادعا کرد

زورگیری خونین جوان والیبالیست

والیبالیست جوان یک تیم سرشناس که جدال خونین با دوستش داشت زورگیر از آب درآمد. حمیدرضا ۲۰ ساله که رویایش ورزش و قهرمانی و شهرت بود چندی قبل در یک سناریوی عجیب مسیر زندگی اش تغییر کرد. این جوان ورزشکار می گوید در رشته والیبال به صورت حرفه ای تمرین می کند و دوست دارد یک روز به جای سعید معروف در تیم ملی ایران بازی کند. حمیدرضا که تا سوم راهنمایی درس خوانده است در تیم والیبال یک تیم مطرح بازی می کند و امسال همراه تیمش تا مرحله نیمه نهایی باشگاه های کشور پیش رفت اما حالا به دلیل یک اتفاق مسیر زندگی اش تغییر یافته است و حتی مدتی از خانه و اهالی محل فراری بود و یک زندگی پنهان داشت.

درگیری خونین

۱۸ روز قبل درگیری خونینی به ماموران پلیس تهران مخابره شد و خیلی زود ماموران برای بررسی موضوع در محل حاضر شدند که با پسر جوانی که غرق خون روی زمین افتاده بود روبه رو شدند. پسر جوان به بیمارستان منتقل شد و به دلیل خون ریزی زیاد و شدت ضربات در بخش مراقبت های ویژه تحت نظر پزشکان قرار گرفت. سعید در کما بود و تیم پلیسی برای دستگیری عامل این درگیری خونین وارد عمل شدند، در این مرحله ماموران با حضور در صحنه درگیری تحقیقات میدانی را آغاز کردند و مشخص شد که حمیدرضا که یک والیبالیست است در این درگیری حضور داشته و بعد از این ماجرا نیز ناپدید شده است. ردیابی ها ادامه داشت و ماموران پلیس پی بردند که حمیدرضا پس از چاقوکشی دیگر به خانه بازنگشته است و هیچ یک از اعضای خانواده اش از او خبری ندارند. تحقیقات برای دستگیری حمیدرضا و تلاش پزشکان برای نجات جان سعید ادامه داشت تا این که پس از گذشت دو هفته جوان والیبالیست به خانه شان بازگشت و همین کافی بود تا ماموران با اطلاع از حضور جوان فراری عملیات دستگیری را آغاز کنند و قبل از ناپدید شدن دوباره پسر جوان، حمیدرضا را دستگیر کردند.

اعتراف به جدال خونین

حمیدرضا وقتی شنید دوستش تا یک قدمی مرگ پیش رفته است شوکه شد و داستان درگیری خونین را پیش روی ماموران باز گو کرد. پسر جوان در اعترافاتش گفت: سال هاست که والیبال بازی می کنم و دوستم سعید نیز بدن ساز و کشتی گیر است و دوستان خوبی برای هم هستیم و بارها با هم شوخی کردیم. وی افزود: شب حادثه با سعید در حال صحبت بودیم و با توجه به رفتارهای دوستم، متوجه شدم که در حالت مستی قرار دارد که پس از دقایقی سعید سر شوخی را با من باز کرد و در ادامه برای شوخی حرف های رکیک و ناسزایی به من گفت که از دستش ناراحت شدم و خواستم دیگر ادامه ندهد اما بی فایده بود. وی ادامه داد: ناراحتی من ادامه داشت و ابتدا سکوت کردم اما سعید دست بردار نبود و به حرف ها و شوخی های نامتعارفش ادامه داد که بین ما درگیری رخ داد و در این لحظه سعید ناگهان یک چاقو از جیبش بیرون کشید. سعید کشتی گیر بود اما من خیلی تند و تیزتر از او بودم و در یک لحظه توانستم چاقو را از دستش بگیرم و به کتف و سینه اش چند ضربه زدم و سپس پا به فرار گذاشتم. در این مدت به خانه یکی از آشنایان مان که در اطراف تهران بود رفتم و از ترس به خانواده و دوستانم زنگی نزدم تا این که پس از دو هفته زندگی پنهانی تصمیم گرفتم به خانه باز گردم. وقتی به محل رفتم از بچه های محل شنیدم که سعید به کما رفته بود و چند روزی است که از این وضعیت بیرون آمده است، خوشحال بودم که دوستم زنده است و ناخواسته در برابر اتهام قتل قرار نگرفتم که خیلی زود پلیس دستگیرم کرد.

ادعای جوان زخمی

در حالی که حمیدرضا ادعا داشت که در یک درگیری مستانه برای دفاع و از شدت عصبانیت دوستش را با چاقو زخمی کرده است، سعید که از کما خارج شده بود و می توانست حرف بزند داستان دیگری را برای ماموران بیان کرد. سعید به ماموارن گفت: من و حمیدرضا بچه محل بودیم و شب حادثه او حالت عادی نداشت و وقتی به سراغ من آمد قصد داشت از من زورگیری کند که من با توجه به این که ورزشکار هستم در برابر او مقاومت کردم و حمیدرضا برای فرار از دست من چند ضربه چاقو به کتف و سینه ام زد و با سرقت گوشی گران قیمتم پا به فرار گذاشت.